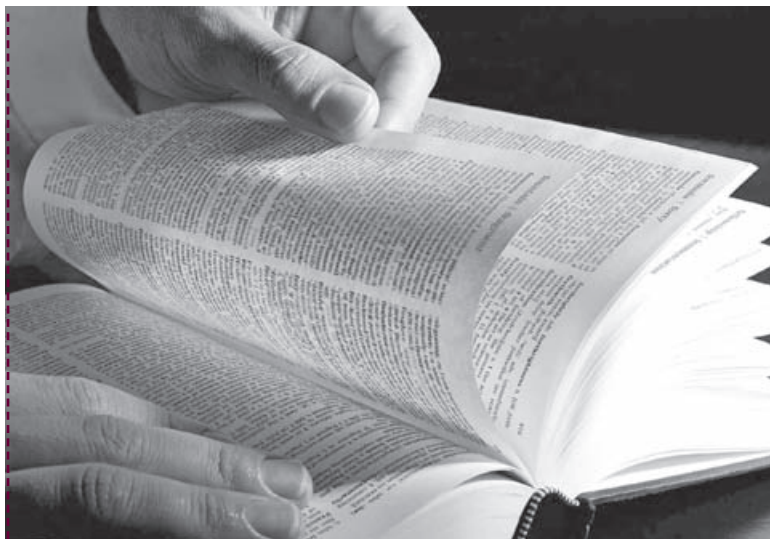




جستاری در مفهوم راهبری شرکتی

✍ حمیدرضا علمشاهی

مقدمه

زبان دانش و خبررسانی در زبانشناسی، **زبان ارجاعی**^۱ نامیده می‌شود؛ زبانی که به مفاهیم و پدیده‌ها اشاره دارد. در دانش با مفاهیم و پدیده‌هایی سروکار داریم که می‌توان درباره آنها سخن گفت؛ ضمن اینکه در هر دانشی با مجموعه‌ای از واژگان با مفاهیم و کاربردهای ویژه روبه‌رو هستیم.

واژگان دانش حسابداری مجموعه‌ای است از **اصطلاحهای**^۲ درون‌ساخته این دانش و اصطلاحهای برگرفته از دیگر دانش‌های اجتماعی مرتبط با آنکه در حوزه **واژگان‌شناسی**^۳ قابل بررسی، ریشه‌یابی و تحلیل هستند. پاره‌ای از این اصطلاحها در ارتباط با یکدیگر^۴ تعریف پذیرند؛ مانند **شرکت اصلی**^۵ و **شرکت فرعی**^۶ و پاره‌ای دیگر بر پایه دیگری تعریف می‌شوند؛ مانند **ارزش دفتری**^۷ که بر پایه **دفاتر حسابداری**^۸ تعریف می‌شود.

اصطلاح <Corporate Governance> مفهومی نوین است که در بنگاهداری به‌کار گرفته شده است و به مجموعه‌ای از ساختارها و سازوکارها اشاره دارد که با کاربرست آنها اداره بنگاهها سامان می‌یابد، نظارت بر اداره‌کنندگان بیشتر شده و اطمینان مالکان پیرامون رعایت نسبی حقوقشان فراهم می‌شود. این اصطلاح در ارتباط با ارکان تصمیم‌گیرنده، اداره‌کننده، و نظارت‌کننده بنگاه بوده و بر پایه آنها تعریف می‌شود.

در این نوشتار نخست به ساخت‌گشایی و تعریف اصطلاح «هیئت‌مدیره» به‌عنوان بعد مهم در میان ابعاد راهبری شرکتی پرداخته و سپس اصطلاح <Corporate Governance> بر پایه آن بررسی و تعریف شده است.

شایان ذکر است که اصطلاح‌سازی در هر شاخه‌ای از دانش امری است جداگانه از اصطلاح‌شناسی. هدف این نوشتار نیز اصطلاح‌سازی در دانش حسابداری نبوده؛ چراکه انجام چنین امری مستلزم ایجاد ساختارهای مناسب حرفه‌ای است.

زبان دانش و

خبررسانی در

زبانشناسی

زبان ارجاعی

نامیده می‌شود

زبانی که به

مفاهیم و پدیده‌ها

اشاره دارد



رکن اداره‌کننده شرکت

در بخش ۶ اصلاحیه قانون تجارت ایران مصوب سال ۱۳۴۷، از نهاد اداره‌کننده شرکت‌های سهامی با عنوان «هیئت‌مدیره» نام برده شده است.

بنا بر ماده ۱۰۷ قانون: «شرکت سهامی به‌وسیله هیئت‌مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشند اداره خواهد شد...» البته همزمان با به‌کارگیری این عبارت، در ماده‌های بعدی قانون به فراخور، واژه‌های «مدیران» و «مدیریت» نیز با همین مفهوم به‌کار گرفته شده‌اند.

ساخت‌گشایی ترکیب هیئت‌مدیره

هر دو واژه نهفته در ترکیب وصفی هیئت‌مدیره از واژه‌های عربی وارد در زبان فارسی هستند. واژه «مدیر» در زبان عربی به‌عنوان اسم فاعل و با مفهوم گرداننده از ریشه «دور» به معنای گردیدن و گشتن ساخته شده که در حالت تأنیت به‌شکل «مدیره» به‌کار برده می‌شود. بسیاری از اسم‌های مؤنث عربی در زبان فارسی به‌شکل صفت فاعلی به‌کار گرفته شده‌اند و واژه‌های مدیره (گرداننده)، رئیس (ریاست‌کننده) و حاکمه (حکم‌کننده) از این دست واژه‌های به‌کار گرفته‌شده در زبان فارسی هستند. بدین ترتیب، عبارت «نهاد گرداننده» یا «گروه گرداننده» به‌عنوان برگردان واژه‌به‌واژه فارسی برای عبارت «هیئت‌مدیره» مطرح می‌شود که این عبارت نیز به احتمال فراوان از سوی قانون‌نویسان وقت در هنگام نوشتن اصلاحیه قانون تجارت به‌عنوان برابر انگلیسی <Board of Directors>

یا <Directorate> و عبارت فرانسوی <Directoire> منظور شده است.

در ساخت‌گشایی واژه <Director> در زبان انگلیسی (<Directeur> در زبان فرانسوی) با ساختار <Direct+ or> روبه‌رو هستیم. تکواژ <Direct> از ریشه لاتین <Directus> به معنای راست، درست، مسیر، سمت‌وسو وارد زبان انگلیسی شده است که خود این واژه اسم مفعول از مصدر لاتین <Dirigere> به معنای هدایت، راهنمایی و درست‌کردن است. تکواژ <or> نیز از پسوند‌های اسم‌ساز در این زبان است که در پیوند با اسمها و فعلها، سبب ساخته شدن اسم می‌شود و <Director> در معنای هادی، مدیر و راهنما قرار می‌گیرد.

هیئت‌مدیره و فرایند مدیریت شرکت

در دانش مدیریت، مدیریت فرایندی تعریف‌شده است که دربرگیرنده وظایف مدیریتی برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری و کنترل می‌باشد که در ارتباط با یکدیگرند و مدیر نیز به معنی کسی است که انجام‌دهنده این وظایف است. مدیران شاغل در یک سازمان نیز در محدوده شرح وظایف نگاشته‌شده برای آنان در امر اداره سازمان مشارکت دارند که به این ترتیب، سلسله مراتب مدیریت در سازمان تعریف می‌شود.

مدیران عالی یا همان اعضای هیئت‌مدیره سازمانها، وظایف مدیریتی را در ابعاد کلی و بلندمدت که حاکم بر فرایندهای مدیریت در سطوح پایین‌تر در سلسله مراتب مدیریت است، انجام می‌دهند و به این ترتیب، هدایت و اداره کلی سازمانها را بر دوش دارند و از این‌رو

<Director> نامیده می‌شوند که متفاوت از واژه <Manager> در معنای عام مدیر است.

در واقع، اعضای هیئت‌مدیره، مدیران ناظر بر کار دیگر مدیران (Managers) شاغل در سطوح پایین‌تر سلسله مراتب مدیریت در سازمانها هستند که ضمن این نظارت، دیگر وظایف مدیریتی در سطح مدیریت عالی سازمانها را نیز انجام می‌دهند. به عنوان نمونه‌ای از انجام این گونه وظایف، می‌توان به تصمیم‌گیری در مورد تدوین راهبردها و سیاست‌گذاریهای سازمانی در حوزه وظیفه برنامه‌ریزی و طراحی یا تغییر ساختار سازمانی در حوزه وظیفه سازماندهی اشاره کرد. در مورد وظایف هیئت‌مدیره در شرکت‌های سهامی ایرانی، به موجب ماده ۱۱۸ اصلاحیه قانون تجارت: "جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است، مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان‌لکم‌یکن است."

با توجه به اینکه شرکت‌های اصلی و درجه یک در بیشتر کشورها،

شرکت‌های سهامی عام هستند و با مطرح شدن لزوم هدایت و اداره اثربخش‌تر و مطمئن‌تر اینگونه شرکتها و کاستن از مشکلات و هزینه‌های نمایندگی در آنها در دو دهه گذشته، شاهد ساخته شدن و کاربست اصطلاح <Corporate Governance> در زمینه بنگاهداری و هدایت و راهبری بنگاهها همزمان با انجام تدابیر و ایجاد سازوکارهای لازم در این رابطه بودیم. هدایت و راهبری کارآمد و اثربخش یک شرکت از مواردی است که همه گروه‌های مرتبط با شرکت اعم از سهامداران، مدیران، حساب‌رسان و ذینفعان از مزایای آن برخوردار می‌شوند.

رعایت بیشتر حقوق سهامداران، انجام بهتر وظایف مدیریتی و ارزش‌افزایی بیشتر مدیران، حساب‌رسی و گزارشگری اثربخش‌تر حساب‌رسان و سرانجام روابط بهتر ذینفعان با شرکتها از مزایای هدایت و راهبری بهینه شرکتی است.

بنابراین اصطلاح <Corporate Governance> مفهومی چندوجهی است که با ارکان تصمیم‌گیرنده (سهامداران)، اداره‌کننده (هیئت‌مدیره) و نظارت‌کننده (بازرسان و حساب‌رسان) یک شرکت و تعامل آنها در ارتباط است.

در فرهنگ‌های مرجع برای واژه‌های مترادف در زبان انگلیسی، برای واژه <Governance> سه حوزه معنایی به شرح زیر منظور شده و واژه‌های مترادف در هر حوزه آورده شده است:



اصطلاح

راهبری شرکتی

<Corporate Governance>

مفهومی چندوجهی است که

با ارکان تصمیم‌گیرنده (سهامداران)

اداره‌کننده (هیئت‌مدیره) و

نظارت‌کننده (بازرسان و حساب‌رسان)

یک شرکت و تعامل آنها

در ارتباط است

مفهوم محوری در

راهبری شرکتی

التزام مدیران عالی

شرکت به

اجرای قانونمند

وظایف مدیریتی و

هدایت کارآمد و

اثربخش شرکت در

بلندمدت و

پاسخگویی در برابر

سهامداران است

برابرهایی فارسی پرسامد مطرح بوده‌اند که البته واژه‌پردازی در اصطلاح حاکمیت شرکتی متناسب با مفهوم آن در زبان انگلیسی نیست.

واژه حاکمیت از مصدرهای برساخته در زبان فارسی و به معنی حاکم بودن است که در دایره واژگان دانش سیاسی به مفهوم اقتدار و فرماندگی حکومت می‌باشد.

بعد مدیریتی راهبری شرکتی

هدایت گروهی در بعد مدیریتی آن در شرکتها مستلزم وجود ترکیب بهینه از اعضای هیئت‌مدیره است که بتوانند فعالیت تجاری را به‌طور کارآمد و اثربخش بر پایه اصول تجاری و با رعایت کامل قوانین و مقررات تجاری و مالی در چارچوب کنترلهای داخلی به انجام برسانند. افزون‌بر برخورداری اعضای هیئت‌مدیره شرکتها از دانش لازم و پیشینه کاری مربوط در این زمینه، واگذار نشدن پست مدیریت عامل به یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌منظور پرهیز از تداخل وظایف مدیریتی در رده‌های مدیریت اجرایی و مدیریت عالی، از دیگر الزامهای راهبری شرکتی است.

سخن پایانی

چندمعنایی^۹ بودن واژه‌ها از ویژگیهای مشترک زبانهاست و اصطلاحهای علمی و فنی در هر زبان نیز با کاربست واژه‌های موجود در آن زبان و از جمله همین واژه‌های چندمعنایی ساخته و به‌کار گرفته می‌شوند. این ویژگی

۱- اداره (مترادف با <Direct>)،

۲- نظارت (مترادف با <Control>)، و

۳- راهنمایی (مترادف با <Guide>).

می‌بینیم که همه این مفاهیم به وظایف مدیریتی مدیران عالی مربوط می‌شوند.

بی‌گمان گزینش این واژه برای ترکیب با واژه <Corporate> و ساخته شدن اصطلاح پیشگفته، با توجه به حوزه‌های معنایی آن برای اشاره به چندجانبه بودن موضوع راهبری یک شرکت بوده است. واژه <Corporate> نیز در زبان انگلیسی هم به معنای واحد تجاری دارای شخصیت حقوقی یا همان شرکت در مفهوم عام آن و هم به معنای یکی شده و متحد کاربرد دارد که در ترکیب با واژه <Governance> در کل مفاهیم هدایت گروهی و راهبری شرکتی از آن برگرفته می‌شود.

برابرهایی فارسی برای Corporate Governance

با توجه به نو بودن این مفهوم در زمینه بنگاهداری و اداره امور بنگاهها، پیشینه‌ای از کاربست آن در قوانین تجاری و مالی ایران وجود ندارد و به‌تازگی با انتشار پیش‌نویس «دستورالعمل راهبری شرکتی ناشران پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران» از سوی سازمان بورس و اوراق بهادار ایران برای نظرخواهی همگانی، عبارت راهبری شرکتی در یک مجموعه مقررات تدوین شده به‌کار گرفته شده است.

در واژگان مدیریت و حسابداری در زبان فارسی، ترکیبهای وصفی راهبری شرکتی و حاکمیت شرکتی تاکنون به‌عنوان

پانوشتها:

- 1- Referential Language
- 2- Terms
- 3- Terminology
- ۴- در زیانشناسی، اینگونه واژه‌ها <Reciprocal Words> یا واژه‌های دوسویه نامیده می‌شوند.
- 5- Parent Company
- 6- Subsidiary Company
- 7- Book Value
- 8- Accounting Books
- 9- Polysemy

منابع:

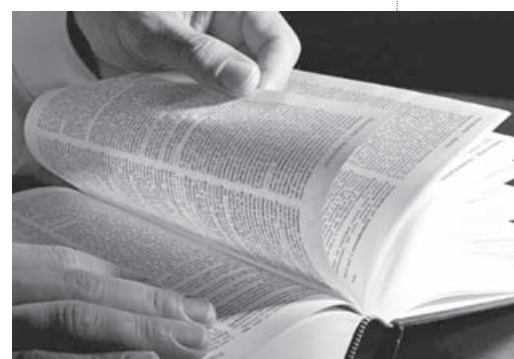
- الوانی سیدمهدی و حسن دانایی فرد، **تئوری سازمان (ساختار، طراحی و کاربردها)**، انتشارات راهی، ۱۳۷۹
- طوسی محمدعلی، سیدامین‌الله علوی، علی اکبر فرهنگی، اکبر مهدویان، **اصول مدیریت**، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۰
- نجوی سیدمحمد، **فرهنگ وام واژه‌های عربی در فارسی**، انتشارات اسلامی تهران، ۱۳۶۸
- Zulkifli Hasan, **Corporate Governance from Western and Islamic Perspectives**, Annual London Conference on Money, Economy and Management, Imperial College, South Kensington, UK, 2008



گاهی سبب می‌شود تا در برگردان یک اصطلاح از یک زبان مبدأ (در اینجا انگلیسی) به یک زبان مقصد (در اینجا فارسی)، رایج‌ترین و پربسامدترین معنی یک واژه در زبان مبدأ که در ساخت اصطلاحی در آن زبان به‌کار رفته است، به جای معنی مناسب آن واژه در زبان مقصد برگزیده شود و به این ترتیب مفهوم ترجمه‌شده یک اصطلاح از مفهوم اصلی آن فاصله بگیرد.

اگر به نخستین مباحث دانشگاهی در مورد راهبری شرکتی توجه شود، دیده می‌شود که به‌عنوان سازوکاری برای کاهش مشکلات و هزینه‌های نمایندگی و بیشینه‌سازی ارزش شرکتها مطرح شده است. بر این اساس در برگردان واژه <Governance>، معانی هدایت و راهبری بر معنی رایج حاکم بودن یا حاکمیت، ارجحیت دارند. تأکید بر این ابعاد راهبری شرکتی همچنان در مباحث جدیدتر پیرامون این موضوع دیده می‌شود؛ راهبری شرکتی ابعاد دیگری همچون نقش مالکان نهادی به‌عنوان ناظران شرکت، کنترل مدیریت در مواردی که از هدفهای شرکت و ذینفعان طفره می‌رود و در اصل، بیشینه ساختن ارزش سهامداران شرکت را دربردارد (Zulkifli, 2008).

بنابراین مفهوم محوری در راهبری شرکتی، التزام مدیران عالی شرکت به اجرای قانونمند وظایف مدیریتی و هدایت کارآمد و اثربخش شرکت در بلندمدت و پاسخگویی در برابر سهامداران است.



رعایت بیشتر

حقوق سهامداران

انجام بهتر وظایف

مدیریتی و

ارزش‌افزایی بیشتر مدیران

حسابرسی و گزارشگری

اثربخش‌تر حساب‌رسان و

سرانجام روابط بهتر

ذینفعان با شرکتها از

مزایای هدایت و

راهبری بهینه

شرکتی است